

عارف قدس آشیان

مروری بر زندگانی

مرحوم میرزا مهدی الهی قمشه‌ای

غلامرضا گلی زواره

● حافظ باروی باورها

مردم اطلاعاتی در باره مترجم مزبور دارند و کمتر می‌دانند که مرحوم الهی قمشه‌ای چه شخصیتی بوده و چه مهارتهایی داشته و دوران زندگیش چگونه گذشته است. شاید هم این‌گونه تصور می‌کنند که مرحوم الهی قمشه‌ای به دلیل تسلط به زبان عربی تنها به این کار دست زده و برنامه دیگری نداشته است. اخلاص و وارستگی آن بزرگ‌مرد اندیشه و حجاب معاصرت بر این که او در هاله‌ای از گمنامی باقی بماند، اثر گذاشته و مانع از آن شده که این آسوه فضیلت و الگوی انسانیت به مشتاقان معرفت معرفی شود.

نگارنده با اعتراف به اینکه هم از لحاظ علمی و هم به لحاظ توانایی‌های اخلاقی بضاعت اندکی دارد به منظور پاسداشت از این نگهبان باروی باورها و معارف تشیع بر خود فرض دانسته است که به ادای دین پرداخته و در حد توان و با عنایت به منابعی که در دسترس بوده است، فسزاهایی از زندگی این نامدار گمنام را از نظر خوانندگان بگذراند.

سرآغاز ترجمه قرآن به زبان امروزی، توسط حکیم میرزا مهدی الهی قمشه‌ای صورت گرفت، در واقع این عارف ربانی نخستین کسی است که برخلاف عادت قدماء که ترجمه تحت‌اللفظی صرف می‌کردند - روش جدیدی در ترجمه و توضیح آیات قرآن به کار برد و کلام الهی را به زبان فارسی روان و مورد استفاده عموم، برگردانید و بدون آنکه در اصل معنا دخل و تصرفی کند، تفسیر خلاصه‌ای با بیان ساده و قابل فهم ارائه داد.

کمتر خانه‌ای را در ایران می‌توان سراغ داد که قرآن با ترجمه مرحوم الهی قمشه‌ای زینت بخش آن نباشد و از این ترجمه استفاده نکرده باشد. در واقع روانترین ترجمه در چند دهه اخیر که حتی افراد کم سواد می‌توانستند از آن بهره بگیرند و از این ساحل آرام به اقیانوس بی‌کران قرآن بر ساند، اثر مورد اشاره می‌باشد. اما در میان خیل عظیم افرادی که از این اثر محظوظ بوده و به کرات بدان مراجعه کرده‌اند، معدودی از

● نیاکان و خاندان

نیاکان حکیم میرزا مهدی الهی قمشهای از سادات بحرین^(۱) بوده که همگی از بزرگان علم و معرفت و اغلب از حافظان قرآن به شماره می رفتند.^(۲)

این کاروان پربار چون جویباری با طراوت از چشمه پربهره بحرین منشأ گرفته، رهسپار ایران شده و در شهر عالم پرور قمشه^(۳) (واقع در ۸۰ کیلومتری جنوب اصفهان) اقامت گزیدند. این گروه از سادات به طور مخفیانه دست به چنین مهاجرتی می زنند و چون مسافرت آنان به ایران در زمان نادرشاه بوده، برای رهایی از شکنجه های عوامل وی، موطن خویش را ترک می کنند و تا مدت ها سیادت خویشان را پنهان می نمایند. یکی از علمای عصر شیراز به برادر بزرگ مرحوم الهی نوشته بود: شجره نامه شما در دست ماست، بسایید و بگیریید و نیز دست خطی از مرحوم آیت الله محی الدین قمشهای بر جای مانده که در آن سلسله شریف خاندانش را به جهت برادرزاده اش نگاشته که در آن آمده است: میرزا مهدی ابن حاج ملا ابوالحسن ابن حاج عبدالمجید ابن حاج محمد رضا ابن حاج عبدالملک ابن حاج شیخ جعفر السید البحرینی رحمه الله تعالی.^(۴)

آیت الله حسن زاده آملی نوشته است: «... آن بزرگوار ... اصلاً از سادات بحرین و از بیت علم و عرفان و زهد و تقوا بود ... بارها به این بنده می فرمود که من از سادات بحرینم، ولی چون در کسوت متعارف فعلی که اختصاص به شیخ دارد شناخته شده ام از تبدیل عمامه سفید به سیاه، خودداری می کنم».^(۵)

دکتر امیر محمود انوار که از تربیت یافتگان مکتب مرحوم الهی قمشهای است به این موضوع اشاره دارد.^(۶) و مرحوم الهی قمشهای در شرح منظومی که برای خود گفته چنین سروده است:

نیاکان بودم از سادات بحرین

ز حفاظ قرآن قراء دفتر

زمانه خواندشان در شهر قمشه

به دور نادر آن مرد دلاور^(۷)

همچنین ایشان در رؤیای صادقی با نوید حضرت امام رضا(ع) به سیادت خود یقین حاصل کرده است.^(۸) پدر بزرگ مرحوم الهی از افراد خوشنام قمشه (شهرضا) به شمار می رفت که در خیرات و مبرات شهرت به سزا داشت و خدمات شایان توجهی به مردم این دیار نمود. نامبرده در عالم رؤیا - که بعد به واقعیت پیوست - ولادت میرزا مهدی الهی را دریافته بود و به همین دلیل بی صبرانه در انتظار تولد فرزندی بود که خصایصش را در عالم رؤیا دید و مدام می گفت: نامش محمد مهدی است و در زمره علماء خواهد گردید. سرانجام انتظارها به سر رسید و در سال ۱۳۱۹ (ق) ستاره ای پر فروغ در آسمان این خانواه هویدا گردید.^(۹) نامش را مهدی نهادند و بعدها که در دانش و حکمت و تدریس علوم گوناگون سرآمد اقران گشت، به «محی الدین» ملقب گردید و در شعر و ادب تخلص الهی را برای خود برگزید:

الهی طبع و مهدی نام و در عشق

لقب گردید محی الدین مقرر

۱- امیر نشین مستقل بحرین، مجمع الجزایری است که با ۶۹۰ کیلومتر مربع مساحت، کوچکترین کشور خاورمیانه و کم وسعت ترین سرزمین جهان اسلام پس از کشور مالدیو می باشد، این کشور در میانه ساحل جنوبی خلیج فارس و در سی کیلومتری ساحل شرقی عربستان قرار دارد.

۲- مروری بر زندگانی حضرت آیه الله محی الدین الهی قمشهای، مجله پیام انقلاب، شماره مسلسل ۱۶۸، ص ۳۲.

۳- در مورد این شهر نگاه کنید به تاریخ شهرضا، مسیح الله جمالی، قم، انتشارات اسماعیلیان، ۱۳۷۴ ه. ش.

۴- مجله پیام انقلاب، همان مأخذ.

۵- نامه ها، برنامه ها، علامه حسن زاده، ص ۸۰.

۶- مجله گوهر، سال اول، شماره ۶، تیر ماه ۱۳۵۲ ه. ش، ص ۵۴۵.

۷- نغمه عشاق، الهی قمشهای، ص ۳۶۷؛ نغمه حسینی، ص ۲۱۵.

۸- نک: خوشه ها، طبیه الهی قمشهای (تربیتی)، ص ۱۲۱- ۱۲۲.

۹- الذریعه، شیخ آقا بزرگ تهرانی، ج ۲۴، ص ۲۳۷، البته ایشان در ج ۱۳ الذریعه، ص ۲۸۹، تولد مرحوم الهی را ۱۳۲۰ ه. ق ذکر کرده است.

پدرش ابوالحسن از ادیبان و فاضلان قمشه به‌شمار می‌رفت، چنانکه خود مرحوم الهی در سروده‌ای بدان اشاره دارد و می‌گوید:

پدر دانشوری بود ابوالحسن نام

جو شیخ خارقان جانش منور

تو گویی در ازل بگرفته تعلیم

صفا و زهد و تقوای اباذر^(۱)

● نهال اندیشه

حکیم الهی قمشه‌ای دوران کودکی را در بیت زهد و تقوا گذراند و در سن پنج سالگی به مکتب‌خانه رفت و تا هفت سالگی مقدمات ادبیات فارسی و عربی را آموخت، سپس نزد پدر و اساتید و ادبای شهرضا به پیگیری تحصیلات و فراگیری علوم متداول پرداخت و با وجود خردسالی به دلیل هوش سرشار و استعدادی شگرف، کتب مهم و مشکل زبان و ادب پارسی و عربی را فرا گرفت. در ۱۵ سالگی در ادبیات عرب به پایه‌ای رسید که شرح نظام نیشابوری و مطول تفتازانی را تدریس می‌کرد.^(۲) به دلیل ذکاوتی که داشت کمتر نیاز می‌دید به مرور دروسها پردازد و اوقات فراغت خویش را برای کمک به معاش خانواده سپری می‌کرد.^(۳)

آن مشتاق معرفت مقدمات فقه، اصول و حکمت را در شهرضا از ملامحمد مهدی فرزانه قمشه‌ای (۱۳۷۲ - ۱۳۰۲ ه. ق) فرا گرفت. فرزانه قمشه‌ای در این شهر حوزه درسی فلسفه داشت و بحث‌های او از اندیشه‌های ملاصدرا ملهم بود و خود از تربیت یافتگان مکتب میرزا نصرالله قمشه‌ای (متوفای ۱۳۲۴ ه. ق) بود.^(۴)

استاد جلال الدین همایی در مقاله‌ای از کمالات علمی ملامحمد هادی مورد اشاره سخن گفته و او را بعنوان استاد خویش ستوده است.^(۵)

حسین امین جعفری (۱۳۶۹ - ۱۲۹۵ ه. ق) از فضیلابی است که حکیم قمشه‌ای مجلس درس وی را غنیمت می‌شمرد^(۶) با آنکه در شهر قمشه اساتید برجسته‌ای درس فقه، حکمت و عرفان داشتند اما میرزا مهدی به ماندن در

موطنش راضی نبود و می‌خواست بار سفر بسته و از حوزه علمی اصفهان بهره‌مند شود. لذا برخلاف ممانعت برادر بزرگترش در صبحگاهی عزم خویش را جزم نمود و با مختصر حاضری پیاده راه اصفهان را در پیش گرفت و به شوق تحصیل در این شهر وارد مدرسه صدر شده و در حجره طلاب قمشه‌ای ساکن اصفهان مسکن گزید و در نخستین روزهای ورودش به محضر شیخ محمد حکیم خراسانی رفت و به مدت یک سال از پرتو اندیشه‌های او استفادۀ نمود.^(۷)

مجلس درس شهید مدرس در اصفهان بزم محبت و کلاس تدریس رشادت و شجاعت بود. حکیم الهی قمشه‌ای که از محفل این فقیه فرزانه برخوردار بوده می‌گوید: وقتی صبحگاه در محضرش حاضر شده به بیانش گوش می‌دادیم هر لحظه در وجود ما نیرویی تازه دمیده می‌شد؛ بطوری که در پایان درس، خود را یک پهلوان زورمند و بی‌نیاز حس می‌نمودیم.^(۸) این شیفته کمالات دینی به رغم دشواری‌ها و مصائب گوناگون بیش از یکسال در حوزه اصفهان نماند و این دیار را به قصد مشهد مقدس ترک نمود و روح تشنه‌اش وی را وادار کرد تا در جوار بارگاه ملکوتی حضرت علی بن موسی الرضا (ع) اقامت گزیند تا به مدد عنایات آن امام در آن ارض مقدسی به کمالات فکری و عرفانی نایل آید. در مشهد به مدرسه نواب راه یافت و برادر بزرگش مرحوم حسینعلی، بخشی از هزینه زندگی و مخارج تحصیلاتش را تأمین می‌کرد. با این وجود ایام اقامت وی در مشهد توأم با مشقت و مرارت بوده روزگار را به قناعت می‌گذرانده است.

۱- نغمه الهی، ص ۳۶۷.

۲- مجله گوهر، همان مأخذ و نیز مجله پیام انقلاب، همان شماره.

۳- مجله پیام انقلاب، همان.

۴- تذکره شعرای معاصر اصفهان، سید صلح‌الدین مهدوی، ص ۵۳.

۵- مجله جاویدان خرد، سال سوم، شماره اول، ص ۹.

۶- زندگانی حکیم جهانگیرخان قشقای، مهدی قرقانی، ص ۱۲۶.

۷- تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص ۵۷.

۸- مرد روزگاران، علی مدرس، ص ۱۲۸.

حکیم الهی قمشه‌ای در میان اساتید خود در مشهد مقدس از مرحوم «آقا بزرگ حکیم» بسیار سخن می‌گفت و از ملکات روحی و کرامات این عالم عالیقدر برای شاگردان خویش خاطرات زیادی نقل می‌کرد. استاد حسن زاده می‌نویسد: آن حکیم الهی می‌فرمود: انفاس قدسی استاد بزرگوار ما آقا بزرگ آن‌چنان در ما اثر گذاشته بود که وقتی غنچه گلی را مشاهده می‌کردیم، تجلیات حق را در آن متجلی می‌دیدیم.^(۱)

مرحوم الهی قمشه‌ای در نغمه عشاق، غزل آفتاب را در مدح آقا بزرگ حکیم با مطلع زیر سروده است:

ای جمال دانش و دین پرتو روی شما

آفتاب عشق و ایمان تابد از کوی شما^(۲)

آقا بزرگ حکیم که به میرزا عسکری شهید معروف است نبیره میرزا مهدی فرزند میرزا هدایت الله شهیدی مشهدی است. آن سید شهید، استاد سید بحر العلوم است که به این سید بزرگوار لقب بحر العلوم داد.^(۳)

میرزا عسکری شهید علاوه بر کمالات علمی و فقهی و عرفانی به پارسایی، وارستگی، صراحت لهجه و آزادمنشی اشتهار داشت نامبرده با وجود آنکه در نهایت فقر زندگی می‌کرد از کسی چیزی قبول نمی‌کرد.^(۴)

آیت الله العظمی حاج آقا حسین قمی که در مشهد حوزه درسی تشکیل داد، از اساتید حکیم الهی قمشه‌ای به شمار می‌رود^(۵) و نیز حکیم والا مقام شیخ اسدالله یزدی که در منطق، حکمت، هیئت و برخی از علوم ریاضی مهارت داشت از استادان ایشان به شمار می‌رود که مرحوم الهی قمشه‌ای شرح فصوص قیصری را در محضر این عارف فراگرفت و در خاطره‌ای به شاگردان خود گفته است: شیخ اسدالله یزدی به ما توصیه می‌کرد بی‌وضو در این درس وارد نشوید^(۶) حاج ملا محمدعلی معروف به «فاضل» (متوفای ۱۳۴۲ ه. ق) که از علمای اعلام و مدرسین والامقام و حکمای مشهور مشهد بوده، جرعه‌هایی از حکمت و عرفان را به کام اندیشه حکیم الهی قمشه‌ای جاری ساخت. این عارف محقق محضر قضاوت داشته و سالها در عرصه معقول و منقول به تدریس مشهور بوده و جماعت بسیاری از دانشوران و حکیمان به

محضرش حاضر شده، از بیاناتش بهره گرفته‌اند.^(۷)

حاج شیخ حسن، مشهور به فاضل برسی، از مدرسان بزرگ و منتقدین آستان قدس رضوی بود که در فقه و اصول مهارت داشت و فوائد شیخ مرتضی انصاری را تدریس می‌کرد.^(۸) حکیم الهی قمشه‌ای این سعادت را داشت که از انوار علمی وی نیز بهره ببرد. دیگر از کسانی که حکیم الهی قمشه‌ای محضرش را درک نمود، آیت الله حاج میرزا حسن فقیه سبزواری خراسانی (متوفای ۱۳۸۶ ه. ق) از زعمای حوزه علمیه مشهد و مراجع بزرگ معاصر خراسان می‌باشد.^(۹)

عالم وارسته و عارف متشرع مرحوم میرزا مهدی اصفهانی (۱۳۶۵ - ۱۳۰۳ ه. ق) در جوار بارگاه حضرت ثامن الحجج حوزه درسی داشت. حکیم الهی قمشه‌ای به جلسات این ستاره فروزان راه یافت و از فروغ وی مستفیض گردید. میرزا مهدی اصفهانی خصوصاً در روزهای پنجشنبه و جمعه در منزل شخصی خود معارف تدریس می‌کرد و ضمن بیانات خویش مقید بود در چهارچوب دستورات ائمه اطهار مطالب خودشان را بیان کنند، و بر این نکته تأکید داشتند که سیر و سلوک در معارف الهی با تقوا و استفاده از روایات معصومین (علیهم السلام) صورت می‌پذیرد. اصرار ایشان در کسب کمالات معنوی بر انجام واجبات و ترک محرّمات بود. و با هر طریقتی که مستلزم ترک شریعت بود مخالف بودند. با چله نشینی و صوفی‌گری میانه‌ای نداشته و معتقد بودند اظهار تضرع در پیشگاه خداوند و توسل به پیشگاه خاندان عصمت و طهارت حقایق را کشف می‌نماید.^(۱۰) این شخصیت در

۱- نامه‌ها، برنامه‌ها، ص ۸۵-۸۶

۲- کلیات دیوان حکیم الهی قمشه‌ای، ص ۲۷۱

۳- گنجینه دانشمندان، محمد شریف رازی، ج ۷، ص ۱۲۵

۴- خدمات متقابل اسلام و ایران، شهید مطهری، ص ۶۱۵

۵- نشریه صحیفه، شماره ۲۷، ص ۴۴

۶- حکمت عملی یا اخلاق مرتضوی، ص ۳۳

۷- دانشوران خراسان، غلامرضا ریاضی، ص ۲۶۵

۸- جشن نامه مدرّس رضوی، گروهی از نویسندگان، ص ۷

۹- گنجینه دانشمندان، ج ۵، ص ۳۱۲

۱۰- میراث ماندگار، مجموعه مصاحبه‌های سال چهارم کیهان فرهنگی،

تکوین اندیشه‌های میرزا مهدی الهی قمشه‌ای تأثیر بسزایی داشت و مشرب عرفانی وی ملهم از تفکرات و سیره علمی و عملی میرزا مهدی اصفهانی بود.

● پرتو افشانی

ایام اقامت در مشهد مقدس برای حکیم الهی قمشه‌ای با شادمانی توأم بود، چنان که خود گفته است: «خوشترین دوران زندگی من همان ایام تحصیل در طوس (مشهد مقدس) بود که بعدها نقشی از آن روزگار خوش و ایام شباب را در قطعه شعری با عنوان قصیده طاووسیه تصویر کردم»^(۱).

در هر حال این نامدار عرصه معرفت پس از طی مدارج علمی و کسب معارف قرآنی و روایی از محضر فضایی که به نام آنان اشاره شد بر آن شده که به تهران آمده و از آنجا به ری و قم و سپس به عراق رفته و به حوزه نجف اشرف برود. ولی زمانه خیمه‌اش را به تهران زد و به قول خودش خاک ملک ری دامنگیرش ساخت. در تهران به مدرسه سپهسالار (شهید مطهری کنونی) وارد شد و در همین زمان شهید آیت الله مدرس در مدرسه یاد شده مشغول تعمیرات لازمه و رسیدگی به امور آن بود. مرحوم الهی قمشه‌ای در خاطره‌ای اظهار نموده است: «در نخستین شبی که در مدرسه ماندم کمی بعد از اذان صبح صدای عصایی شنیدم. دیدم مدرس است، سلام کردم، نگاهی به من کرد و فرمود: آشیخ مهدی کی آمدی؟ عرض کردم: دیروز از مشهد. فرمود: چه قصد داری؟ گفتم: عازم نجف هستم. فرمود: ان شاء الله موفق باشی! طولی نکشید که طلاب آمدند و مدرّس درس کفایه را شروع کرد. مدتی آنجا ماندم و ایام اقامت طول کشید. روزی آن عالم مبارز از من پرسید، مسافرت شما چه شد؟ عرض کردم:

چشم مسافر چو بر جمال تو افتد

عزم رحیلش بدل شود به اقامت

فرمودند: خوب درس و بحث را شروع کن. من ضمن اینکه به درس ایشان می‌رفتم یک درس منطقی و یک درس فلسفه را در مدرسه آغاز کردم»^(۲).

مرحوم الهی قمشه‌ای در این مدرسه محضر حکیم بزرگ

میرزا طاهر تنکابنی (۱۲۴۲ - ۱۳۲۰ ه. ش) را درک کرد. ناگفته نماند که میرزا طاهر تنکابنی از شاگردان مشهور و برجسته حکیم میرزا ابوالحسن جلوه زواره‌ای (۱۲۳۸ - ۱۳۱۴ ه. ق) می‌باشد که ۵۰ سال در مدرسه مذکور (شهید مطهری کنونی) و مدارس کاظمیه و سلطانی به تدریس علوم مختلف اشتغال داشت و تحریر اصول اقلیدس از خواجه نصیر طوسی و قانون بوعلی را در چندین دوره تدریس نمود.

میرزا طاهر تنکابنی محضری دلنشین داشت و از بیانی شیرین و لهجه‌ای با صراحت توأم با مناعت طبع و حافظه‌ای شگفت برخوردار بود.^(۳)

حکیم الهی قمشه‌ای از مبارزات سیاسی این استاد خود با رضاخان قلدر سخن گفته که استاد حسن زاده آملی در یکی از رسالات خود به این خاطرات اشاره کرده است.^(۴)

پس از تأسیس دانشگاه در کشور، مدرسه سپهسالار که محفل ادبا و مجلس حکما بود به دانشکده معقول و منقول تبدیل گردید. مرحوم الهی ضمن تدریس منطق و حکمت و ادبیات در این دانشکده به تدریس زبان و ادبیات عرب و حکمت و فلسفه در دانشگاه تهران مشغول بود و با نوشتن کتاب «توحید هوشمندان» به درجه دکتری از این دانشکده نائل آمد.^(۵)

دوران تدریس ایشان در دانشگاه تهران ۳۵ سال طول کشید. کلاس درس وی از شور و حال خاصی برخوردار بود و آفتاب صدق و صفا و دانش و اندیشه از سیما و گفتارش پرتو افشان بود. چون به تدریس حکمت و عرفان می‌پرداخت بحری بود مؤاج و ژرف، با حافظه‌ای قوی و

→ ص ۱۷۷ - ۱۷۸. نیز در مورد وی بنگرید به مجله تاریخ و فرهنگ

معاصر، ویژه‌نامه مکتب تفکیک، مقالات استاد محمدرضا حکیمی.

۱- عارفی شوریده حال، دکتر حسین الهی قمشه‌ای، کیهان هوایی، ۸۲۳.

۲- مدرس مجاهدی شکست ناپذیر، عبدالعلی باقی، ص ۱۹۱ - ۱۹۲.

۳- گلشن جلوه، به اهتمام غلامرضا گلی زواره، مقاله حسن فقیه عبداللهی.

۴- بنگرید به رساله «وحدت از دیدگاه عارف و حکیم» از حضرت آیه الله حسن زاده آملی.

۵- مجله پیام انقلاب، شماره ۱۶۹.

تلمیذی پذیرفته شد، زبان حالش به این مقال مترنم بود.

نوری از روزن اقبال در افتاد مرا

که از آن خانه دل شد طلب آباد مرا

ظلمت آباد دلم گشت چنان نروانی

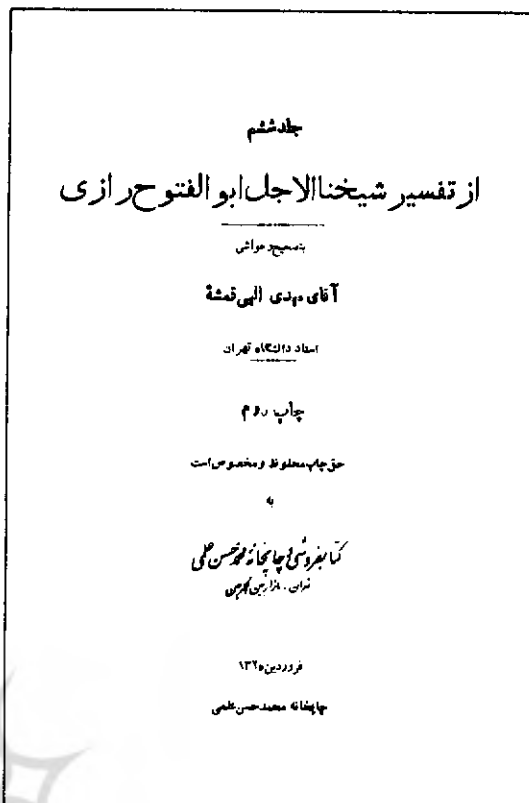
کآفتاب فلکی خود بشد از یاد مرا

ایشان در جایی اظهار داشته است: قریب یازده سال در محضر این استاد بودم و در این سالیان در سهای ما شبها بعد از نماز مغرب و عشاء بود، تمام منظومه به غیر از منطق و از اول الهیات اسفار تا آخر آن و از اول نمط چهارم اشارات تا آخر آن را در خدمت جناب آقای قمشهای خواندم.^(۲)

و در جایی دیگر خاطر نشان نموده‌اند: علاوه بر اینها در مجلس تفسیر آن جناب خوشه‌چین بوده‌ام.^(۳)

استاد حسن زاده علاوه بر روابط شاگردی و استادی با حکیم الهی قمشهای انس دوستانه‌ای داشت و در نشستهایی که این دو بزرگوار با یکدیگر داشته‌اند مرحوم قمشهای اشعار خود را برای ایشان خوانده و با تواضعی خاص از علامه حسن زاده نظر می‌خواستند و ایشان نیز سروده‌های خود را نزد استاد خویش خوانده و تصحیح می‌نمودند؛ چنانکه گفته‌اند: تقریباً یک دوره اشعار بنده را ملاحظه نمودند و بسیار تحسین کردند و بر صفحه اول دیوانم قریب یک صفحه مطالبی مرقوم داشتند و تقریظی انشاء فرمودند که افتخار داشتن دستخط مبارکش را دارم.^(۴)

دیگر از دانشورانی که حوزه درسی حکیم الهی قمشهای را دریافته و از پرتو اندیشه‌اش محظوظ گشته‌اند علامه محقق و مفسر مدبّر حضرت آیت الله جوادی آملی باشد که آثار و بیانات و سخنانش چون جرعه‌های فرزانی به انسانها جان می‌بخشد ایشان بخشی از شرح منظومه و نیز الهیات و بخش عرفان شرح اشارات خواجه نصیرالدین طوسی را در محضر



نیرومند و استدلالی محکم و استوار. مفاهیم مشکل فلسفی را با جملاتی شیوا و دلربا بیان می‌کرد. در تأیید مطالب خود از اشعار فلسفی و عرفانی شاعران بزرگ ایران و عرب شاهد می‌آورد. و در پایان با تواضعی خاص ابیاتی از سروده‌های خویش را برای شاگردان خود بر می‌خواند. با وجود سالخوردگی و به تحلیل رفتن قوای جسمانی، حافظه‌اش آن‌چنان قوی بود که آیات قرآن و روایات منقول از اهل بیت (ع) و نیز عبارات کتب قدمای از فلاسفه و حکماء هم چون اشارات و اسفار و شرح منظومه سبزواری و فصوص الحکم ابن عربی را به خاطر داشت و در مواقعی اتفاق می‌افتاد که یک ساعت در باره‌بیتی از منظومه سبزواری سخن می‌گفت.^(۱)

یکی از شخصیت‌هایی که در تهران به مدت یازده سال خوشه‌چین خرمن حکمت حکیم الهی قمشهای بود و خود اکنون بوستانی از اندیشه و معرفت را فراهم آورده آیت‌الله علامه حسن زاده آملی است که وقتی از سوی استادش به

۱- مجله بغما، سال ۲۶، شماره ۱۲، ص ۷۵۲.

۲- مجله حوزه، شماره ۲۱، ص ۳۸.

۳- پاسداران اسلام، مجله پیام انقلاب، شماره ۱۱۳، ص ۲۱.

۴- این تقریظ در مقدمه دیوان آیه الله حسن زاده - که از سوی مرکز نشر رجاء چاپ شده - درج گردیده است.

● در پیشگاه قرآن

حکیم میرزا مهدی الهی قمش‌ای از دوران کودکی با قرآن آشنا بود و خانواده فاضلش وی را با تعالیم قرآنی پرورش داده بودند. پژوهش‌های نامبرده در عرصه حکمت و عرفان و نیز سروده‌های زیبایش سخت تحت تأثیر معنویت و قداست آیات قرآن است. قرآن در ذهن و ضمیرش از عزتی خاص برخوردار بود و در فخامت الفاظ آن شکوه و اقتدار می‌دید. در نوشته‌های ارزنده و آموزنده خود علاوه بر استشهاد و تمسک، سخن خویش را با آیات قرآن مزین نموده و برکت می‌بخشید، تا شنونده یا خواننده در برابر منطق استوار و قاطع قرآن و مفاهیم قانع‌کننده کلام حق ناگزیر از پذیرش مضامین مورد بحث باشد. در کتاب حکمت الهی او از این نمونه‌ها بسیار است. آن مرد الهی در منزل خود جلسه تفسیر قرآن برقرار می‌کرد و جمعی از اهل فضل و کمال در این محفل پر فیض شرکت می‌کردند. از دیگر تلاش‌های آن مرحوم تصحیح و حاشیه نویسی بر تفسیر گرانسنگ ابوالفتح رازی است که به اهتمام ایشان طی سالهای ۱۳۲۲ - ۱۳۲۰ ه. ش در ده جلد انتشار یافت. حواشی ارزنده‌ای که این حکیم بر اثر مورد اشاره نوشته بسیار مورد توجه اهل فن و مرجع و مأخذ پژوهشگران بوده است. ایشان در توضیحات و حاشیه نویسی‌های خویش در مواقعی به نقد مطالب و یا رد ادعاهایی که ابوالفتح رازی مطرح کرده پرداخته است.^(۵)

برجسته‌ترین تلاش آن حکیم در پیشگاه قرآن ترجمه‌ای به زبان امروزی همراه با خلاصه التفسیر است که مرحوم آیت الله العظمی بروجردی (قدس سره) - که در تفسیر قرآن صاحب نظر بودند - آن را ستوده و پسندیده‌اند.^(۶)

آیت الله حاج میرزا مهدی محی‌الدین الهی قمش‌ای فرا گرفتند.^(۱)

استاد جوادی آملی اظهار می‌دارند: مرحوم الهی قمش‌ای با آن ذوق لطیفی که داشت الهیات تدریس می‌کرد؛ یعنی از نمط چهارم تا پایان نمط دهم را. درس مرحوم الهی (نسبت به درس دیگر اساتید) با روحتر و پروراننده‌تر بود. وقتی به نمط نهم و دهم می‌رسیدند سعی می‌کردند از آنچه لازمه پرورش روح است دریغ نکنند... ایشان بین نماز مغرب و عشا اشارات تدریس می‌کردند و اصرار داشتند نمازشان اول وقت خوانده شود. اولین بار که هنگام مغرب خسته و رنج‌دیده در زمستانی پر برف وارد اتاق ایشان شدیم این شعر را خواندیم ساکن ابروی را گوشه آبروی نشانده

تا دگر در پی تحصیل اشارات نکوشند

ایشان فوراً بیتی از غزل معروف خود را خواندند:

شرح اشارات ابرویش بنگارم

غمزه چشم نگارم اگر بگذارد^(۲)

آیت الله حاج سید محمد حسن لنگرودی که از فقها و مدرسان به نام معاصرند. شرح منظومه سبزواری را نزد حکیم الهی قمش‌ای فرا گرفتند. ایشان در باره مرحوم قمش‌ای گفته‌اند: «آن مرحوم حالات بسیار خوبی داشت که از اشعارش پیداست. با آنکه استاد دانشگاه بود و دارای عنوان و مقام ظاهری، خیلی ساده زندگی می‌کرد.»^(۳) مرحوم الهی قمش‌ای ضمن تدریس در تهران، هنگام تابستان که به مشهد می‌آمد در این شهر به تدریس می‌پرداخت. یکی از فضلایی که در حوزه درسی آن مرحوم شرکت می‌کرد استاد کاظم مدیر شانه‌چی (متولد ۱۳۰۶ ه. ش) از دانشوران معاصر می‌باشد که بخشی از شرح فیضی بر فصوص را نزد الهی قمش‌ای فرا گرفت. همچنین نامبرده اجازه‌نامه‌ای از حکیم الهی قمش‌ای دارد و نیز آن عارف ربانی در سفرهای تابستانی به حجره ایشان در مدرسه نواب مشهد می‌آمد و بخشی از کارهای علمی خود را در آنجا انجام می‌داد.^(۴)

□

۱- نشریه صحیفه، شماره ۳۰، ص ۱۵، مجله پیام انقلاب، شماره ۱۸۴، ص ۱۸.

۲- مجله کیهان فرهنگی، شماره ۹، سال ۱۳۶۴، گفتگو با آیت الله جوادی آملی.

۳- مجله حوزه، شماره ۵۵، ص ۶۰.

۴- مجله کیهان فرهنگی، سال چهارم، مرداد ماه، ۱۳۶۶، ص ۸.

۵- الذریعه، ج ۷، ص ۹۵-۹۶.

۶- مجله پیام انقلاب، ش ۱۶۹، ص ۲۰.

این ترجمه پس از مدتی توسط آن مرحوم مورد بازنگری قرار گرفته و اصلاحاتی فراوان در آن به عمل آمده است.

ترجمه تفسیرگونه الهی قمشه‌ای نخستین بار در سال ۱۳۲۳ (ه.ش) به چاپ رسید و در طبع‌های بعدی به دو گونه عرضه شد: یکی در صفحات روبروی مصحف و دیگری در ذیل آیات. این ترجمه تاکنون دهها بار و در قطع‌های گوناگون از سوی ناشران مختلف تهرانی و شهرستانی به چاپ رسیده است و به رغم نقدهایی که بر آن شده این اثر ارزشمند در بین مسلمین فارسی زبان جایگاه ویژه‌ای دارد و حتی پس از آنکه چندین ترجمه دیگر عرضه گردید، هنوز به خوبی از آن استقبال می‌شود و تنها در بهار سال ۱۳۷۵ (ه.ش) از سوی دو ناشر تهرانی به طبع رسید، و یکی از آن دو ناشر به فاصله ده روز بار دیگر قرآن با ترجمه الهی قمشه‌ای را تجدید چاپ کرد.^(۱)

فرزند فاضل آن مرحوم - دکتر حسین الهی قمشه‌ای - و محمدباقر بهبودی و حسن مسعودی اصلاحاتی در این ترجمه به عمل آورده‌اند که به صورت جداگانه به طبع رسیده است. ویژگی و وجه تمایز این ترجمه با ترجمه‌های قبل از خود، در این است که از زبانی ساده و مورد پسند عمومی برخوردار بوده و توضیحاتی بر اساس اعتقادات شیعه بر آن افزوده شده است.

اما اشکال آن نیز همین است که توضیحات افزوده شده از اصل ترجمه قابل تفکیک نیست و درهم تنیده شده و پیکره‌ای واحد را پدید آورده‌اند. به همین دلیل برخی از پژوهندگان قرآنی از آن به ترجمه تفسیر آلود یاد کرده و افزوده‌اند: «مرحوم قمشه‌ای تنها در مواردی خاص به منظور تفکیک توضیح از ترجمه، پرانتز به کار برده است».^(۲)

حسین استاد ولی - از محققان و مترجمان مشهور معاصر - کمر همت بسته تا ترجمه حکیم الهی قمشه‌ای را از اغلاط زبانی، ادبی و علمی پیراسته نماید. نامبرده در باره این ترجمه گفته است: ترجمه شادروان الهی قمشه‌ای (اعلی الله مقامه) از نظر شهرت و تیراژ، گوی سبقت را از دیگر ترجمه‌ها ربوده

است. سالهاست که این ترجمه مکرر چاپ می‌شود و در اختیار خاص و عام قرار می‌گیرد. وی در ادامه، اخلاص و صفای باطن مترجم، قلم روان و انشای سلیس وی و توضیحات کوتاه میان پرانتز بسیار مفید مرحوم الهی قمشه‌ای را از جمله محاسن این ترجمه دانسته است. سپس برخی کاستی‌ها از قبیل افتادگی‌ها و آمیختگی متن و شرح را برشمرده است.^(۳)

نخستین نقدی که بر این ترجمه نوشته شد، نقد ابوالقاسم پاینده است. وی در مقدمه ترجمه خود تا حدی به این موضوع پرداخت. سید عبدالوهاب طالقانی طی مقاله‌ای ده مورد از انتقادات خود را که برگزیده یادداشت‌های تفسیری اوست آورده و در ذیل این انتقادات نوشته است: «... مقام علمی و زهد و تقوا و امعان نظر این بزرگمرد بالاتر از آن است که این بنده ناچیز نقدی بر آن بنویسم. نقد بر ترجمه و الفاظ مرحوم الهی است در مقایسه با کلام حق تعالی».^(۴)

نقد سوم که از تمامی نقدها مشروح‌تر و مبسوط‌تر است نقد قرآن پژوه معاصر و نویسنده پر تلاش و مترجم معاصر، بهاءالدین خرمشاهی است که با مراجعه به منابع گوناگون آن را نوشته و هشتاد صفحه از کتاب قرآن پژوهی او را دربر گرفته است وی در مقدمه نقد خود^(۵) نوشته است: «کما بیش در حدود نیم قرن از ترجمه قرآن کریم به قلم شادروان الهی قمشه‌ای می‌گذرد، به تخمین نگارنده این ترجمه بیش از صد بار به صورت‌های مختلف به چاپ رسیده و از اقبال عامه و تأیید خواص برخوردار بوده است».^(۶)

دکتر احمد بهشتی در جواب نقد یاد شده، برخی انتقادات

۱- مجله نمایه، شماره ۵۲، ص ۱۳۷.

۲- مجله مترجم، سال سوم، شماره ۱۰، تابستان ۱۳۷۲، ص ۱۵۷.

۳- گزارشی از ویرایش جدید و کامل ترجمه قرآن شادروان مهدی الهی قمشه‌ای، حسین استاد ولی، فصلنامه بینات، زمستان ۱۳۷۴.

۴- نقد ترجمه‌های معروف قرآن به زبان فارسی، سید عبدالوهاب طالقانی، مجله کیهان اندیشه، شماره ۲۸.

۵- قرآن پژوهشی، بهاء الدین خرمشاهی، ص ۴۵۷ - ۵۳۱.

۶- مجله وقف میراث جاویدان، شماره سوم، پاییز ۱۳۷۲، ص ۱۴.

● **دل‌باخته‌ی اهل‌بیت**

حکیم الهی قمشه‌ای در خانواده‌ای رشد یافت که با محبت نسبت به اهل بیت روزگار می‌گذرانند و لذا از دوران طفولیت روان و اندیشه‌اش را در چشمه پر بهره عترت (ع) شستشو داد و با تصفیه درون و تزکیه دل و افزودن به ایمان و معرفت خود این محبت سنتی و موروثی را تعمیق بخشید و ستارگان درخشان آسمان ولایت و امامت را شایسته دل‌بستگی و مهرورزی دانست و ارتباط قلبی با این فروغهای تابناک را وسیله جذب و جلب معنویات و نور گرفتن از خورشید معنویت آن بزرگواران کرد. عرض ارادت این آسوه اخلاص به پیشگاه رسول کرم (ص) و اهل‌بیت او در اخلاق و رفتار، آثار علمی، اندیشه‌های عرفانی و مدایح و مراثی و غزلهای نابش کاملاً مشهود است. بخش مهمی از سروده‌های وی - که در دیوانش مسطور است - به وصف کمالات اهل‌بیت (ع) و مدح و رثای آن بزرگواران اختصاص دارد. اشتیاق این حکیم سخنور به نخستین امام شیعه یعنی وجود با برکت حضرت امیرالمؤمنین (ع) در عرصه‌های گوناگون علمی و ادبی وی تجلی یافته و سخنان آن حضرت در متون منظوم و منثورش درخشندگی و فروزندگی دارد.

استاد حسن زاده در یکی از آثار خود اظهار داشته است:

«حکیم الهی قمشه‌ای بارها در مجلس درس اظهار می‌فرمود: من آرزویم این است نهج البلاغه را در بهشت از آقا امیرالمؤمنین درس بگیرم.»^(۴)

مرحوم قمشه‌ای گزیده‌ای از سخنان حضرت علی (ع) را تحت عنوان «حکمت عملی یا اخلاق مرتضوی» در ده مقاله به انضمام خاتمه مقالات تنظیم نموده و برای هر یک از فرموده‌های آن حضرت، شرحی اجمالی نوشته است. این مجموعه نفیس در سالهای اخیر با مقدمه و تصحیح

این ناقد را به ترجمه الهی قمشه‌ای با عنایت به بحثهای گوناگون و استفاده از منابع مستند و متقن بی‌اساس دانسته است. و در جایی از مقاله خود خاطر نشان نموده است: قطعاً ترجمه مرحوم الهی هم از مزایای بسیاری برخوردار است و محسناتش فراوان و عیوبش محدود. و علی‌الظاهر جناب خرمشاهی همه را استقصا کرده‌اند. گو اینکه به نظر ما بعضی از انتقادات ناوارد است و باید حق را به استاد فرزانه، مرحوم الهی داد.^(۱)

دکتر احمد احمدی در مقاله‌ای تحت عنوان «ضرورت ترجمه‌ای آکادمیک از قرآن کریم» ضمن آنکه ارباب نظر را به ضرورت ترجمه‌ای دقیق، فنی و آکادمیک بر اساس اصول و مبانی علمی ترجمه و با استفاده از شیوه‌های بدیع رایج به بهترین وجه از قرآن کریم معطوف نموده، از ترجمه الهی قمشه‌ای به عنوان کاری توأم با اخلاص سخن گفته و در ادامه مقاله خود نوشته است: «از بی‌دقتی و بی‌توجهی ناشران سوداگر که بگذریم، ترجمه این نیک مرد دانشمند خطاهایی دارد که ترجمه را نیازمند اصلاحی چشم‌گیر می‌سازد. جا دارد فرزند دانشمند ایشان استاد دکتر حسین الهی قمشه‌ای به این مهم بپردازند و آن را از آغاز تا پایان به دقت نگرینسته و اصلاح کنند.»^(۲)

ذکر این نکته ضروری به نظر می‌رسد که در برگرداندن کار ارزشمند ذول لایوم (۱۸۶۸ - ۱۷۹۱ م) دانشمند فرانسوی در زمینه تفسیر و طبقه‌بندی آیات قرآن - که تحت عنوان تفصیل آیات القرآن الکریم به عربی ترجمه شده - به زبان فارسی، در سال ۱۳۳۴ هـ. ش کیکاووس ملک منصور با کسب اجازه از محضر حکیم الهی قمشه‌ای از منتخب التفاسیر معظم له استفاده کرد و این گنجینه گرانبها را به طبع رسانید. همچنین مستدرک این اثر که توسط ادوارد مونتیه تألیف شده پیوست این مجموعه است که با ۱۴۰۰ صفحه رحلی از سوی انتشارات اسلامیة به طبع رسیده و در یک صفحه آیات قرآن و در صفحه‌ای دیگر ترجمه آیات با استفاده از ترجمه قرآن حکیم الهی قمشه‌ای آمده است. کلیه مطالب این مجموعه در ذیل ۱۸ باب و تحت سیصد و سی و چهار عنوان ذکر شده است.^(۳)

۱- همان مجله، شماره پنجم، بهار ۱۳۷۳.

۲- مجله بینات، سال اول، شماره اول مقاله دکتر احمدی.

۳- تاریخ ترجمه قرآن در جهان، تألیف و ترجمه دکتر جواد سلماسی‌زاده، ص ۵۵.

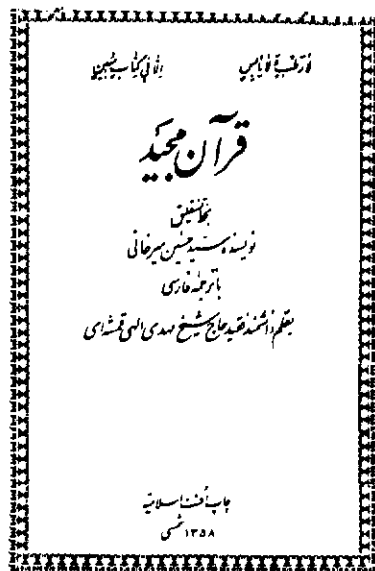
۴- رساله وحدت از دیدگاه عارف و حکیم، ص ۳۱.

و تعلیقات و ذکر مأخذ و مصادر کلمات، توسط آیت الله حسن زاده آملی در قم به طبع رسیده است.^(۱) هم چنین ایشان (الهی قمشه‌ای) سروده‌ای تحت عنوان «نغمه الهی» دارد که در آن خطبه همام حضرت علی (ع) را به صورت منظوم شرح نموده است.^(۲)

این عارف عاشق اهل بیت (ع)، ضمن آنکه در سروده‌هایی و در قالب قصیده و مرثیه، حضرت امام حسین (ع) را ستوده است در مجموعه‌ای مستقل بنام

«نغمه حسینی» زندگی آن امام و مساجرای کربلا را به نظم درآورده است. سبب توفیق ایشان در این مثنوی پرجاذبه، این است که خداوند به وی فرزندی عطا کرد که در هیجده ماهگی بشدت رنجور و مریض می‌شود و پزشکان از درمانش مأیوس می‌شوند. حکیم الهی قمشه‌ای نذر می‌کند که اگر طفل مریض از این وضع مُهلک‌رهایی یافت داستان کربلا و حماسه‌سازان عاشورا را به نظم درآورد به محض آنکه ایشان چنین عهدی را با خدای خویش می‌کند کودک به هوش آمده و سلامتی خود را باز می‌یابد. در تدوین این اثر ثمین مرحوم الهی قمشه‌ای در لابلای اشعار تکه‌های تاریخی به نثری شیرین آورده و برای صحت مطالب و حسن نظم و ارتقای کیفی آن به تواریخ و کتب معتبر مراجعه کرده است.^(۳)

یکی از ذخایر علمی و گنجینه‌های حقایق الهی و معارف مذهب تشیع صحیفه کامله سیدالساجدین امام علی بن حسین (ع) است که تالی بلکه عدیل نهج البلاغه می‌باشد و آن را زبور آل محمد (ص) و انجیل اهل بیت لقب داده‌اند. مرحوم الهی قمشه‌ای بر حسب تقاضای برخی دوستان که خود از علما و مجتهدین اسلام به‌شمار می‌روند به شرح و ترجمه این اثر گرانسنگ اهتمام ورزیده است و طی چندین سال در اتمام آن سعی بلیغ نمود تا به لطف حق در روز چهارشنبه دوازدهم شعبان المعظم ۱۳۸۷ هـ. ق از



این تلاش ارزنده فارغ گشت. وی در مقدمه‌ای که بر صحیفه سجادیه نگاشته آن را دفتری ربانی و کتابی رفیع الشأن دانسته و در ادامه نوشته است: این کتاب طریق توجه به حق را تعلیم امت می‌دهد و اسرار و حقایق حکمت و عرفان و لطایف و دقائق اخلاق و رموز رابطه با حضرت احدیت را به خلق آموزش می‌دهد و دروسی که عصر حکومت بنی‌امیه به شدت مانع تعلیم آن بود حضرت در ضمن دعا مطرح نموده

است. پس از مقدمه، مرحوم قمشه‌ای سند روایت صحیفه سجادیه را ذکر نموده و در پایان آن نوشته است: باید دانست که اسناد و انتساب صحیفه کریمه سجادیه به امام (علیه السلام) نزد محققین و علمای بزرگوار امامیه با روایت مستفیض بلکه قریب به تواتر است و ابدأ نیازمند نیست به جرح و تعدیل روایات آن، بلکه به‌طور قطع و یقین از خود انشاء کلام و فصاحت و اعجاز بیان بدون شائبه کلام معجز نظام حضرت امام سجاد (ع) خواهد بود.^(۴)

یکی از مسائل مشهور در باره حج، داستان شبلی و به حج رفتن اوست که در باره مناسک آن بین وی و امام سجاد (ع) گفتگویی انجام گرفته است. حدیث یاد شده بعد از ختم کتاب توحید صدوق آمده است. ناصر خسرو در قصیده‌ی فرای معروف خود از این حدیث بهره گرفته و آن را به نیکویی منظوم ساخته است. عارف وارسته حکیم الهی قمشه‌ای نیز این روایت را تحت عنوان «مناسک حج عاشقان» به نظم

۱- نک: حکمت عملی یا اخلاق مرتضوی، قم، قیام.

۲- این اثر برای بار اول در سال ۱۳۶۰ هـ. ق به طبع رسید.

۳- کتاب نغمه حسینی، به صورت مستقل از سوی انتشارات اسلامیة در تهران چاپ شده است.

۴- صحیفه سجادیه، با ترجمه و شرح محیی‌الدین مهدی الهی قمشه‌ای، ص ۲۴.

ای دلبر سرو قد سیمین بر، وی شاهد گل رخ پری پیکر
 ای طرّه پر شکنج تو مشکین، وی نرگس پر خمار تو دلبر
 ای مرغ نفخت فیه من روحی، بشکن قفس بدن، بدین شهر
 از پرده، نوای من عرف بشنو، بشناس خود، ای خدای را مظهر^(۶)

● دانشمندی توانا

حکیم صمدانی و عارف ربّانی مرحوم الهی قمشه‌ای از
 عنفوان جوانی روح و روان خویش را با معارف قرآنی و
 مضامین روایی آشنایی داد و خود را از سرچشمه زلال و
 مصفا‌ی «یوتی الحکمة من یشاء» کامروا گردانید و بدین‌گونه
 آفتاب معرفت، ذهنش را روشنایی بخشید و او را به کمالات
 علمی و مقامات معنوی آراسته نمود. ذهن عطشناک او به
 مباحث و متون فلسفی و کلامی قانع نمی‌شد و به همین دلیل
 آنی از تعمق و تفکر در علوم اسلامی نیاورد. در جلسات
 علمی به نقادی و تجزیه و تحلیل مباحث حکمی و عرفانی
 مندرج در کتب قدما پرداخت، جلسه درسش به دلیل
 توانایی علمی این انسان با صفا و اخلاص و صمیمیت
 خاصش توأم با جاذبه‌ای زاید الوصف بود. ملکات روحی و
 فضایل اخلاقی از او سیمایی مجسم می‌ساخت که به دلیل
 ساده زیستی و فروتنی اگر کسی آشنایی قلبی با او نداشت باور
 نمی‌کرد این فرد بی‌تکلف و بدون ادعا دانشمندی تواناست و
 به همین دلیل «علامه طباطبائی» می‌فرمود:

«مرحوم قمشه‌ای بسیار بی‌قید بودند (یعنی اهل تکلف
 نبودند) وقتی در مشهد رضوی در محفل مذاکره و مباحثه‌ها با
 کلاه شب‌خوابی آمد، مردم پنداشتند که او یک فرد عادی
 است». و نیز آن مفسر فرزانه افزوده‌اند: حکیم الهی قمشه‌ای

در آورده که در کلیات دیوان آن جناب درج شده است.^(۱)
 از دیگر مظاهر شوق این حکیم نسبت به ساحت مقدس
 اهل بیت (علیهم السلام) این است که در اکثر تابستان‌ها مشهد
 مقدس می‌رفت تا عتبه بوس آستان حضرت ثامن الحجج
 حضرت علی بن موسی الرضا(ع) باشد. و می‌فرمود هر وقت
 امام مرا خواسته می‌روم و هنوز بی‌دعوت نرفته‌ام! وی در ایام
 اقامت در مشهد شرح قیصری بر فصوص را برای مشتاقان
 تدریس می‌کرد.^(۲)

آیت الله سید محمد حسن لنگرودی می‌گوید: یک وقت از
 ایشان در باره مسافرت‌های زیادی که وقت و بی‌وقت به مشهد
 مقدس می‌کردند، سؤال کردم، می‌فرمود: گاهی در عالم رؤیا
 مشاهده می‌کنم که در حرم حضرت رضا(ع) هستم و این
 حالت را دعوت به زیارت می‌دانم و از این روی اجابت چنین
 دعوتی را بر خود فرض و لازم می‌بینم.^(۳)

حکیم الهی قمشه‌ای غزل‌های زیادی در مدح و منقبت
 حضرت امام رضا(ع) سروده است. در مطلع غزلی که به شوق
 زیارت بارگاه مظهر آن امام گفته چنین می‌خوانیم:

امشب ز شهر خیمه دولت ز منم به طوس

گسر شاه دلبران دهمم اذن دست بوس

مرغ دلم ز گلشن تهران ملول گشت

کوشاهدان مشهد و صاحب‌دلال طوس

با کام دل به منزل دارالصفای عشق

من داد خود بگیرم از این چرخ آبنوس^(۴)

این عالم ربانی در کتاب «حکمت الهی» خویش که حاوی
 مباحث حکمی، عرفانی و کلامی است دلایلی متقن و محکم
 بر وجود خاتم اوصیاء امام قائم ثانی عشر اقامه کرده است و
 براهینی را با بحث‌های استدلالی آورده که از جمله آنها برهان
 وجود اشرف، برهان وجود علت غایی و برهان لطف
 می‌باشد.^(۵)

هم‌چنین نامبرده قصیده‌ای مصنوع و تمام مطلع دارد که
 همه ابیات آن مقفا و مُصَرِّع است که با وزن بدیع و دلکشی به
 مدح حضرت ولی عصر(عج) پرداخته:

□

۱- نامه‌ها برنامه‌ها، ص ۱۲۸.

۲- کیهان فرهنگی، سال چهارم، مرداد ماه ۱۳۶۶.

۳- مجله حوزه، شماره ۵۵، ص ۶۱.

۴- نغمه حسینی، بخش ضمیمه، ص ۸۳.

۵- حکمت الهی، ص ۳۰۹-۳۱۲.

۶- نغمه خوان لاهوت، سید محمد عباسی کهن، اطلاعات، شماره ۱۹۳۶۰.

غیر از این ظاهر است.^(۱)

آیت الله جوادی آملی این حکیم را عارفی کم نظیر و صاحب‌دلی کم بدیل خوانده است.^(۲)

آیت الله حسن زاده آملی در اغلب آثار خویش ذکر می‌کند که این عارف شوریده حال آورده و به وصف مقامات علمیش پرداخته و او را عارف متأله صمدانی، حکیم الهی، کوکب قدر اول آسمان معارف حقه الهیه و نیز از علمای بزرگ و بنام عصر معرفی کرده است.^(۳) هم‌چنین ایشان در سروده‌ای، حکیم الهی قمشه‌ای را ستوده که با این مطلع آغاز شده است:

ای الهی ای دل پاک تو خورشید کمال

ای فروغ رهروان خطه حسن جمال

ای یگانه مظهر عشق و خداوند کرم

ای امیر سالکان اندر طریق ذوالجلال...^(۴)

حجت الاسلام والمسلمین دکتر احمد احمدی در معرفی وی نوشته است: «خدای به مرحوم الهی قمشه‌ای رفعت مقام دهد، کسانی که آن روحانی وارسته را دیده بودند، می‌دانند که در زهد و عبادت و تقوا و اخلاص و نیز در علم و حکمت و شعر و ادب چه جایگاه رفیعی داشت، دیوان اشعارش نمونه بارز ذوق و زبردستی وی در ادب فارسی است و [کتاب] حکمت الهی او نشانگر توان والای وی در فهم و نگارش متون دشوار فلسفه و حکمت می‌باشد.»^(۵)

دکتر محمود انوار - استاد دانشگاه - در معرفی استاد خود (حکیم الهی قمشه‌ای) نوشته است: استاد محی‌الدین مهدی الهی قمشه‌ای را در حکمت و ادب پایه‌ای بس بلند است و او را باید عارفی با ذوق و حکیمی عالی‌قدر و سخندانی نکته‌سنج به شمار آورد... بخصوص در تفسیر و ترجمه قرآن کریم در عصر ما شخصیتی شاخص و ممتاز داشت، در آخر عمر نیز در ترجمه خود بر قرآن تجدید نظر کرد و علاوه بر تصحیح، حواشی مفید بر آن افزود... منزل وی برای دانش دوستان و ادب‌جویان خود به منزله دانشگاهی بود که دسته دسته برای کسب فیض بدانجا روی می‌آوردند.^(۶)

از افاضات علمی و پژوهش‌های حکیمانه مرحوم الهی قمشه‌ای مجموعه نسبتاً مفصل حکمت الهی در دو مجلد

می‌باشد، که خود در معرفی آن می‌نویسد: این کتابی است در حکمت الهی، فقه اکبر و کلام و فلسفه اسلامی از قرون اول حکمت تا عصر حاضر؛ حاوی اقوال بزرگان و حکمای و خردمندان الهی عالم و مطالب همه با ادله عقلی، منطقی و قرآنی مبرهن گردیده یا به وجدان ذوق اهل معرفت و کمال مستند است.

جلد دوم این مجموعه نفیس را شرح فصوص الحکم ابونصر فارابی تشکیل می‌دهد که کاری ارزنده از مرحوم الهی قمشه‌ای می‌باشد و در پانزدهم رمضان سال ۱۳۷۵ هـ. ق. آن را به پایان برده است و ضمیمه این شرح خطبه توحید به حضرت علی (ع) است که وی به ترجمه و توضیح آن پرداخته است.

حکیم عارف، الهی قمشه‌ای، مراتب معنوی خویش را از راه صوفی‌گری و رقص و سماع کسب نکرده بود. به عقیده وی عارف واقعی کسی است که دارای مقام معرفت الله و تخلق به اخلاق الله و تهذیب نفس به وسیله عبادت و ریاضت و مجاهده است و چنین عالمی ربانی با این خصوصیات که علم و عمل را خالص کرده و ترک شهوات حیوانی نموده و از امور دنیایی دست کشیده، مظلومان را اعانت کرده و گمراهان را بسوی وادی توحید رهنماست، به حقیقت شاگرد عالی‌مدرسه انبیا و طریقه قرآن می‌باشد. حکیم الهی قمشه‌ای در مقابل این تعریف از عرفان و عارفان ضمن آنکه اعتراف می‌کند مصداقش در عصر حاضر به ندرت یافت می‌شود، از صوفی و تصوف به شدت انتقاد کرده و می‌نویسد:

۱- حکمت عملی یا اخلاق مرتضوی، ص ۴۰.

۲- منظومه معرفت، غلامرضا گلی زواره، ص ۶۱.

۳- بنگرید به کتاب هزار و یک نکته، علامه حسن زاده آملی، ص ۵۳۸، دومین یادنامه علامه طباطبائی مقاله استاد حسن زاده آملی، نامه‌ها برنامه‌ها، ص ۷۹.

۴- دیوان آیه الله حسن زاده آملی، ص ۱۰۰-۱۰۱.

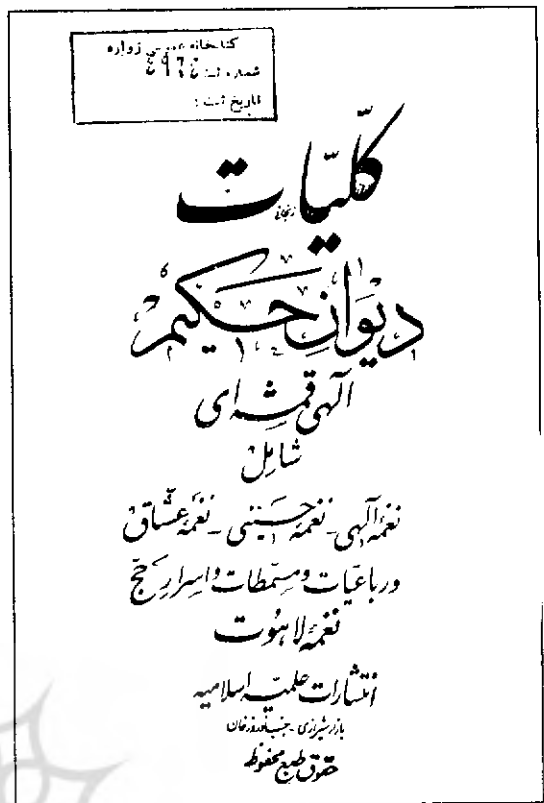
۵- مجله بینات، سال اول، شماره اول، ص ۸۷.

۶- مجله گوهر، همان مأخذ، ص ۵۴۶.

قدرت قاهر خداوند را در ماورای ظواهر مشاهده می‌کرد و از این جهت به قضای الهی راضی و در برابر او امرش تسلیم بود. او در طریق تحقیق و پژوهش آن آرامش روحانی را که تشنه آن بود بدست نمی‌آورد و تنها حالات ملکوتی و لحظات معنوی که با عبادت و اخلاص و تزکیه نفس وی قرین بود می‌توانست او را از دالانهای تردید و دامهای وابستگی نجات دهد و لذا با تطهیر قلب به استقبال بوستان معنویت رفت و برای اینکه این راه را با اطمینان طی کند با مهر اهل بیت (ع) و بهره‌مندی از فیوضات آن فرزنانگان پاک سرشت پیوند داد و در اقیانوس متلاطم اندیشه بر کشتی قرآن و عترت سوار شد تا از غرق شدن رهایی یابد.

● در عرصهٔ سخنوری

بدون شک یکی از مواهب ارزشمند حکیم سخن در زبان آفرین این است که زبان و خامهٔ شاعران را به جهان رازها و زیبایی‌ها و عوالم اخلاص و کمال آشنا نموده و آنان را به تصویر و نمایش اسرار هوش ربّی دنیای پر رمز و راز قدرت داده است تا اندوه جانکاه هستی را از چهره جان برگرفته و جهان پرشور معانی را دربر گزیده‌ترین مضامین منظوم که ما آنها را شعر می‌نامیم عرضه کند، این موهبت، دیهیم افتخاری است که بر فرق مفاخر کائنات درخشندگی دارد و حکیم الهی قمشه‌ای از دوران نوجوانی با این احساسات ظریف شاعرانه انس و الفت داشت و در آینه شعر توانایی‌های خود را بروز داد و از زبان سروده‌های خویش گرایشهای مذهبی، باورها و اندیشه‌های خود را مشخص کرد، رگه‌هایی از عرفان و کلام اسلامی در اشعارش به هم آمیخته و به جهان بینی وی رنگ و بوی حکمت عملی بخشیده است، قصاید حاوی اندرز و حکمت است و در آنها به وفور اهل بیت عصمت و طهارت را مدح نموده و یاد رثای آنان اشعاری سروده است. معارف قرآنی و حکمت‌های عالی و براهین فلسفی را با یکدیگر آشنایی داده



اگر معنی صوفی و تصرف عبارت از ادعای دروغ مقام ولایت است و نیابت خاصه به هوای نفس و حب ریاست و خرقه بازی و سالوسی و ریا و دکاننداری و فریب دادن مردم و آه و ناله‌های شیطانی و نفس‌های سرد بی حقیقت کشیدن و خلسه و رعشه ریا و خودنمایی برای آنکه در دل‌های مردمان ساده دل جای گیرند و دائم به فکر آنکه کسی را به دام آرند و از ارادتش تمتع و اعتبار یابند و در مریدان هیچ تأثیر کمال نفس و صفای روح و خداشناسی و تقوا نداشته بلکه مردم را از استعداد فطری توحید و شوق ذاتی معرفه الله خارج کرده به وادی ضلالت کشند. گر این است معنی صوفی، صد نفرین حق بر این مردم باد که بد نام کننده نکو نامان عالمند.^(۱)

حکیم الهی قمشه‌ای در مسیر تکامل روحی و معنوی، تعلقات غیر خدایی را ترک گفت و دل را تنها در گرو عشق به درگاه الهی قرار داد. او از دریچه تنگ دنیای مادی به جمال مطلق ازلی می‌نگریست و در تمامی حوادث و رویدادها

۱- حکمت الهی، ج اول، ص ۳۷۶-۳۷۷.

و از آنها نتایج اخلاقی می‌گیرد و خواننده را موعظه نموده تا شاید از خواب غفلت بیدار شده و خرد دهن شده را حیات معنوی بخشند: مانند نمونه زیر:

تن پرورا در صفای جان کوش

کین تیره تن را بجز فنا نیست

قوت روان، دانش است و ایمان

زان بگذری روح را غذا نیست

ارزان نده نقد عمرت از کف

دژی چو عمر گرانیهیست...^(۱)

در هر کدام از اشعارش می‌توان نکته‌ای حکیمانه یافت یا پندی را ناظر بود که شاعر به خواننده می‌دهد و تار و پود اکثر ابیات دیوانش از منابع قرآنی و روایی تأثیر پذیرفته و با هدف انداز، هشدار یا تشویق و تهییج، مخاطب خود را بر مرکب اندیشه می‌نشانند:

هر نکته که در نظم الهی است حدیثی است

از دفتر معشوق و ز انوار الهی...
 علامه حسن زاده آملی در باره جنبه شعری وی نوشته است: «طبعش بسیار لطیف بود. از طلعت دیوانش فروغ آن من الشعر لحکمه ساطع است و از طلاقت بیانش شروق آن من البیان لسعراً طالع، نازکی اشعارش خود برهان ناطق است و تقریظ مرحوم ملک الشعراء بهار که در ابتدای «نغمه عشاق» ثبت است، شاهدی صادق. این بنده گوینده‌ای را از معاصرین نمی‌شناسد که آن همه مضامین رفیع حکمت و معانی منبع عرفان را به این سبک روان به رشته نظم کشیده باشد، لذا با هیچ یک از دواوین معاصرین جز به دیوان در دُرر حقایق الهی خو نکرده است:

دقیقه‌های معانیش در سواد حروف

چو در سیاهی شب روشنی پروین بود
 و خود از طراوت گفتار نغز پر مغزش لذت می‌برد که
 می‌فرمود:

سخن مدعیان نغز و لطیف است ولی

غیر شعر تو الهی دل ما نگشاید^(۲)

ملک الشعراء بهار در خصوص دیوان حکیم الهی

قمش‌های نوشته است:

«گوینده این اشعار... عروض را دماغ موزون او پیدا کرده و قافیہ را ذوق فطری او تشخیص داده و آنچه با ذوق خاص او راست آمده درست یافته و بکار بسته است. از هیچ‌کس مدح ننموده و به کلی از مدح و اسلوب قصاید مدیحه که در ادبیات پارسی بابتی بزرگ است کنار گرفته و در غزل نیز به مذاق اهل حال - حالی بین فلسفه و عرفان و شریعت - گرویده است.

قصایدی خوش سبک و خوش آهنگ دارد که می‌توان آنها را در صف اول این نوع قصاید نهاد؛ چه، روانی و احساسات لطیف و پر مغزی در همه آنها پدیدار است.

اما غزلیات الهی به سبک و شیوه عراقی است، لطف این غزلها آمیزش حقایق است با عبارات و الفاظ عاشقانه و این شیوه طریقه حافظ و اوحدی مراغه‌ای است. در سخن الهی سوزی است که از سه منبع برخاسته است: یکی عراق (عجم) که وطن اوست. خاصه اصفهان که موجد فکر و خیال و پرواز روح است، دوم تحصیل فلسفه و عرفان و علوم دینی و درک خدمت بزرگانی که سر راه او آمده‌اند. سوم خلقت و مزاج و حالت روحی او است که پرورده نقاش قدرت و صنعت گر ازل است.^(۳)

دکتر انوار می‌گوید: الهی در عالم شعر و ادب نامی ارجمند دارد و قصاید و غزلیات دلکش و دلربای او زبانزد خواص و عوام است... استاد الهی در فنون مختلف شعری از قصیده و غزل و دو بیتی و مثنوی و غیره طبع آزمایی کرده است. آثار منظوم وی که تحت عنوان «شکوفه‌های عرفان» به طبع رسیده شامل نغمه الهی، نغمه حسینی و نغمه عشاق و مشتمل بر قصاید و غزلیات و قطعات پراکنده است.^(۴)

□

۱- کلیات دیوان حکیم الهی قمش‌های، ص ۴۱۹.

۲- نامه‌ها برنامه‌ها، ص ۸۱-۸۲.

۳- از مقدمه ملک الشعراء بهار که بر نغمه عشاق (چاپ شده در سال ۱۳۲۱ ه. ش) نوشته است.

۴- مجله گوهر، همان، ص ۵۴۶-۵۴۷.

● رفتار و کردار

حکیم الهی قمشه‌ای در مسیر تلاش‌های علمی به خواسته‌های معنوی و گرایش‌های ارزشی توجه خاصی داشت و در مسیر اطاعت از او امر الهی اراده خویش را تابع اراده حق نموده و از هرگونه تعلقی که نسیان و فراموشی یاد خدا را دربرداشت اجتناب می‌نمود. استاد علامه حسن زاده آملی می‌نویسد: بیش از ده سال با او حشر داشتم یک کلمه ناروا و یک حرف ناسزا و یک جمله بیهوده از او نشنیدم. چه گریه‌ها و زاری‌ها از او دیده‌ام و چه اندرزها از او به یادگار دارم.^(۱)

همسرش طی خاطراتی نوشته است: نیمه شب از خواب بر می‌خاستند. پس از نوافل و نماز شب در صحن خانه قدم می‌زدند. نگاه به سیارات می‌نمودند، از مرگ هراسی نداشتند و می‌فرمودند. بلاهای این جهان همه از جانب حق است و آنها را به جان و دل قبول می‌کردند. در برابر دانا و نادان متبسم بودند. امر به معروف ایشان با ملایمت و دلسوزی بود. تأکیدشان بر این بود که چشم ظاهر را برهم گذارید و با نور باطن خدا را مشاهده کنید. ساعتها در خلوت خانه خود با حق مشغول تضرع و دعا بودند.^(۲)

قناعت در زندگی این حکیم بسیار مشهود بود. ملبس عادی و مسکنش ساده، سقف خانه‌اش حصیر و چوب هیزمی بود و فاقد برق. می‌فرمود: برق را در پشت بام داریم و مرادش ماه و ستارگان بودند. چون راه می‌رفت مستقیم القامه بود و هیچ خمیدگی در او پدید نیامد و عجیب آنکه مویش پیر بود ولی چهره‌اش بشاش و جوان می‌نمود. از نام و عنوان و اشتها نفرت داشت. از لغو اعراض می‌کرد و در مراقبت از کلام و بیان خویش و محاسبه نفس بسیار دقیق بود. سحرخیز بود و دیگران را هم در بیانات و سروده‌ها به شب زنده‌داری و ایجاد ارتباط با خداوند در آن خلوت شب تهییج می‌نمود:

بیا تا شبی بر در کبریا

بگیریم بی‌شرک و ریب و ریا

که صحبت چه آینه رخشان کنند

دلت روشن از نور سبحان کنند

سحرگه ز خوش خواب بردار سر

که دل زنده گردد به آه سحر^(۳)

باید پذیرفت که این انسان وارسته از طریق تزکیه و تهذیب نفس مقرب درگاه حق گشته بود و به همین خاطر لیاقت همنوایی و نغمه سرایی با قدسیان را داشت و از برخی حالات معنوی و کرامات بی‌بهره نبود.

یکبار برای اهل خانه نقل کرده بود: در مکه معظمه عطش بر من مستولی شد. گفتم خدایا آب می‌خواهم. با آن کثرت جمعیت شخصی که ظرف آب یخی در دست داشت پیش آمد و گفت آقای الهی آب خواسته بودید میل کنید. هم چنین تعریف می‌کردند، در یکی از کوچه‌های مدینه از شدت ضعف و ناتوانی نقش بر زمین گردیدم با خود نجوا کردم. امشب نصیب مار و مور خواهم شد. ناگهان مردی از اهالی شهرضا (قمشه) روبرویم حاضر شد و گفت آقای الهی کسی به من گفت آقای در کوچه‌های مدینه، به دلیل ضعف ناشی از تشنگی بر زمین افتاده است. آمدم شما را ببرم. سپس مرا با خود برد و رسیدگی کامل نمود. در سن ۵۰ سالگی که به مشهد مقدس مشرف بودم، از پیشگاه مقدس حضرت رضاع (ع) خواسته بودم که جرعه‌ای از مقام رضا به او عنایت شود. نقل می‌کند از حرم مطهر که بیرون آمدم در بالای خیابان اتومبیلی به من زد و پرت شدم. خواستند مرا به بیمارستان ببرند. گفتم مرا به مدرسه نواب ببرید و برای راننده هم رضایت دادم. حضرت آیه الله میلانی برایم دکتر آورد ولی من به دکتر گفتم: هفت حمد بخوانید و بروید:

ز سوگر تفقد و گر ستم بود آن عنایت و این کرم

همه خوش بود ز تو ای صنم چه وفا کنی چه جفا کنی^(۴)

علاوه بر این حالات روحانی، حکیم الهی قمشه‌ای به دلیل تضعیف خودخواهی از عاطفه‌ای انسانی برخوردار

۱- نامه‌ها برنامه‌ها، ص ۸۱

۲- خوشه‌ها، ص ۱۲۷.

۳- نغمه حسینی، ص ۲۹۶.

۴- عرفان اسلامی، حسین انصاریان، ج ۳، ص ۳۴۱-۳۴۳.

حضرت آیت الله حسن زاده در بخشی از سخنانش فرمود:
جناب استاد میرزا مهدی الهی قمشه‌ای برای ما نقل فرمود که روزی در زمان رضاخان پهلوی تنی چند نزد من آمدند و گفتند: شما قصیده‌ای یا غزلی در مدح شاه سروده‌اید؟ گفتم: من در این باره چیزی نگفتم، از من خواستند و من عذر آوردم و نپذیرفتند. گفتم: پس اجازه بدهید تا امشب غزلی بسازم و فردا به شما تقدیم نمایم، اگر مورد قبول افتاد فبها، فرمود در آن شب غزلی گفتم:

جهان کشور من، خدا شاه من

ندارد جز این جان آگاه من...

فرمود: آنان آمدند و همین که غزل یاد شده را برای آنان خواندم، گفتند: این که نشد، گفتم: من اینها را یاد گرفتم چه کنم حرف دگر یاد نداد استادم.^(۲)

در اشعار متعددی به نفرت از ستم و بیزاری از حکومت ظلم و جور رضاخان اشاراتی روشن دارد. اینک چند نمونه از این اشعار:

چندیست که رنج خاطر من از دهر

در کشور باستان و تهرانش

این کشور عدل و کاخ دانش را

فریاد که جهل کرده ویرانش^(۳)

و در شعری تحت عنوان «جنوب و شمال» چنین گفته است:
عقل و ایمان و دانش و دین رفت

ماند جهل و غرور، جور و ضلال

شد مبدل به کبر و بخل و حسد

راد مردی و عز و جود و کمال^(۴)

در شعری دیگر به افشاگری حاکمان وقت پرداخته و گفته است:

بود و نوعی لطافت و صفای معنوی در ارتباط با دیگران داشت. از مظاهر دیگرخواهی او توجه به فقیران و افراد مستمند است.

یک روز از مسجد شاه (مسجد امام خمینی کنونی) به خانه آمد در حالی که لباس نداشت و عبا را به دور خود پیچیده بود؛ بعد مشخص گردید در شبستان مسجد لباسش را به فرد فقیری بخشیده است.

این انسان الهی صفت که تنها حق را شایسته پرستش می‌دید و دل در گرو محبت اهل بیت بسته و در ساحل قرآن و حدیث نشسته بود؛ از مظاهر شرک و نفاق و ستم نفرتی آشکار داشت و با بهره‌مندی از روحیه‌ای قوی که در پرتو تقوا و ایمان کسب کرده بود، نه تنها از دستگاه ستم هراس نداشت بلکه به طریقی بیزاری خود را از ستمگران و کارگزارانشان نشان می‌داد. بعد از اقامت ایشان در تهران و ارتباط بسیار نزدیک با آیت الله شهید سید حسن مدرس پس از دستگیری آن شهید توسط عمال رضاخان، نامبرده را دستگیر و روانه زندان نمودند و چون مدرکی برای ادامه بازداشت ایشان نیافتند آزاد گردید. بعد از این واقعه طلاب مدرسه سپهسالار (شهید مطهری کنونی) پروانه‌وار بر گرد شمع وجودش جمع شده و کتابی را بدست ایشان دادند و گفتند تا این زمان شهید مدرس این کتاب را برای ما تدریس می‌کرد و اینک شما تنها فردی هستید که می‌توانید جانشین ایشان باشید تا از محضر آنان استفاده کنیم.

گویا زمانی حکیم الهی قمشه‌ای را تهدید به زندان و یا تطمیع به کمک از سوی دستگاه رضاخان کرده بودند که آن وقت غزلی به این مطلع گفته بود:

من نه آن دیوانه عشقم که زنجیرم کنند

یا به جز در دام زلف یار تسخیرم کنند

من نه آن مرغم که صیادان عالم با فسون

دانه افشانند و در دامی به تزویرم کنند^(۱)

در مراسم یادواره صدمین سالگرد ارتحال حکیم «میرزا ابوالحسن جلوه زواره‌ای» (۱۲۳۸ - ۱۳۱۴ ه.ق) که در بهار سال ۱۳۷۳ ه.ش در موطنش یعنی شهر «زواره» برگزار شد،

۱- دیوان حکیم الهی قمشه‌ای، ص ۸۷۶

۲- گلشن جلوه، به اهتمام غلامرضا کلی زواره، ص ۱۶ و نیز هزار و یک کلمه، ج ۵۵، ص ۴۰۵

۳- دیوان حکیم الهی قمشه‌ای، ص ۴۰۵

۴- همان مأخذ، ص ۴۱۲

جمعی حیوان، گرگ و روبه خوی

بگسرفته مقام راد مردانش

قومی خر و گاو، آدمی صورت

بنشسته فراز کاخ و ایوانش

بر شکل بشر درندگانی چند

چون گرگ بلای گوسفندانش

تاریک شد این جهان روشندل

کو شمعش فروغ ایمانش...^(۱)

در جایی دیگر گویا طعن به رضاخان ملعون می‌زند و

اظهار می‌دارد:

دین عزیز است و رجال دین شریفند و بزرگ

تف به آن ابله که قدر و شوکت دین کاستی

از کلاغ زشت خوی ژاژخای هرزه طبع

چند در باغ طبیعت نعره و غوغاستی^(۲)

مرحوم الهی قمشه‌ای علاقه ویژه‌ای به حضرت امام

خمینی (قدس سره) داشت و لذا همواره کسانی که به ایشان

مراجعه می‌کردند و در باب مرجعیت سؤال داشتند آن مرحوم

در آن اختناق و حشتناک با صراحت، افراد را به تقلید از آن

روح قدسی دعوت می‌نمود.^(۳)

همچنین حضرت امام خمینی (قدس سره) این انسان صادق

و مخلص را می‌شناخت و به او ارادت داشت و یکبار که

حکیم الهی قمشه‌ای به قم آمده و در مدرسه فیضیه اقامت

گزیده بود. حضرت امام به همراه شهید حاج آقا مصطفی

خمینی و آیت الله جوادی آملی به دیدن ایشان آمدند.^(۴)

سرانجام این مرد بزرگوار پس از عمری تدریس و تحقیق

و پژوهش و کوشش در جهت نشر فرهنگ قرآن و عترت در

شب سه‌شنبه دوازدهم ربیع الثانی ۱۳۹۳ ه. ق (مطابق با ۲۵

اردیبهشت ۱۳۵۲ هجری شمسی) از ناسوت به سوی ملکوت

پرکشید. فردای آن شب بدن مطهرش را از تهران به قم انتقال

داده و در وادی السلام این شهر و در جوار بارگاه مقدس

حضرت فاطمه معصومه (س) به خاک سپردند. چون بدن آن

مرحوم در قبر قرار گرفت و هنوز لحد نجیده بودند. استاد

علامه طباطبائی تشریف آورد و در کنار قبرش نشست و

دستمال بدست گرفتند و بسیار گریستند. دو شب پس از آن

علامه طباطبائی در جمعی فرموده بود: در این سال دو فرد

روحانی که خیلی به معنویت آنان ایمان داشتم از دست ایران

به در رفت یکی مرحوم آیت الله حاج شیخ محمدتقی آملی

(۱۳۰۴ - ۱۳۹۰ ه. ق) و دیگر مرحوم آقای قمشه‌ای.^(۵)

المعروف بالامان من سوره مائده

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

كَلِمَاتٍ مِنْ آيَاتِ الْكِتَابِ الْمُبِينِ

لَعَلَّكُمْ يَتَّقُونَ

مَوْجِبِينَ لَكُمْ مِنَ اللَّهِ آيَاتٍ

الَّتِي أَنْزَلَ عَلَيْكُمْ لَعَلَّكُمْ تَهْتَكُونَ

مَا كُنْتُمْ تَنْهَوْنَ عَنْهَا

مَنْزِلَ الْآيَاتِ الَّتِي أَنْزَلَ عَلَيْكُمْ

لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ

(کوفی ایرانی با ترجمه زیر نویس به نسخ)

۱- نغمه حسینی، ص ۲۲۰.
 ۲- مجله پیام انقلاب، شماره ۱۶۹، ص ۳۳.
 ۳- همان مأخذ، ص ۳۳.
 ۴- بنا به اظهارات حضرت آیه الله شیخ بحی انصاری که در تیر ماه سال جاری (۱۳۷۵) فرمودند.
 ۵- نامه‌ها، برنامه‌ها، ص ۸۸-۸۹.